



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۱۲۱

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات اول از دستور)

۴ دی ماه ۱۳۱۱ - ۲۶ شعبان ۱۳۱۱

قیمت اشتراك سالانه داخله ۱۰۰ ریال ، نك شماره : يك تریال  
خارجه ۱۲۰ ریال

مطبوعه مجلس

تعداد صفحات - ۱۰۱

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۴ دی ماه ۱۳۱۱ \* ( ۲۶ شعبان ۱۳۵۱ )

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای رئیس کل سناستعلامت
- ۳) تقدیم سه فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه
- ۴) شور اول عهدنامه مودت و تأمین بین ایران و ترکیه
- ۵) شور اول عهدنامه مودت بین ایران و فنلاند
- ۶) تصویب عهدنامه مودت بین ایران و استونی
- ۷) شور و تصویب لایحه تسبیب جنس
- ۸) شور اول لایحه العالیین ایران بزرگواران درین المانی منع استعمال کرکر و مدید
- ۹) شور دوم لایحه اورژان و مقادیر
- ۱۰) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل کردید

صورت مجلس پنجشنبه اول دیماه را آقای مؤید احمدی (متنی) قرائت نمودند \* \* \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

**ملک مدلی** ( رئیس کمیسیون ) - در کمیسیون تصویب

شده اصلاح میکنند

**رئیس** - در صورت مجلس دیگر نظری نیست (گفته شد - خبر) صورت مجلس تصویب شد. قبل از اینکه بکارها شروع کنیم بنده توجه آقایان را جلب میکنم که پیش از پست و دو سه روز از دوره تقنیه باقی نمانده رویه آقایان هم هیت اینطور بوده که هروقت کارهایی بوده است با کمال مراقبت و دقت انجام میشده است و باز یادآوری میکنم

**رئیس** آقای دولتشاهی.

**مصلحعلی میرزا دولتشاهی** - در صورت مجلس آقای حسنعلی میرزا دولتشاهی را غالب بی اجازه نوشته بودند در صورتیکه ایشان مریض بودند و نقاشای مرخصی را خود بنده کردم خوب است مقرر فرمایید اصلاح شود  
**رئیس** - اصلاح میکنند که بیرون عرایض و مرخصی نبوده است بعد دقت میکنند و اصلاح میشود.

\* عین مذاکرات مشروح بگردد و بیست و یکمین جلسه از دوره هشتم تقنیه (مطابق قانون ۵ اردیبه ۱۳۰۰)

دائرة تدوین و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غالبین با اجازه - آقایان : آشتیانی - طباطبائی وکیل - میرزا محمدخان وکیل - یکنادر - موزر - آرزاده - میرزویاری  
غالبین با اجازه - آقایان : نیورتناسی - حاج محمدحسنی - میرزا حسنخان انصاری - دکتر ادبیراطم - اسکندری - صادفاناکر  
مرخصی تلقین بیات - حسنعلی میرزا دولتشاهی - صغاری - وهسا - عبدالعزیز خان دیا - یان ماسکو - سکت - فرام  
حاج قلاصعین ملک  
دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : میرزا حسینعلیخان قاسمی - لولویان - اقباسی - احتشامزاده - مسعودی خراسانی - مرزا  
فرهاد زیدی - آقا سید کاظم زیدی - شریفی - مسعودتاشی.

که آقایان امرجه فرماید بناچار ما برای رای گرفتن ۸۹ رای لازم داریم وفاقا درموقع بیرون رفتن و آمدن رعایت این عده را بکنند که مالز کنگر بازمانیم (صحیح است) آقای فرخ

۲- قدیم دو نفره لایحه را طرف آقای رئیس کل مباحث و معاملات |

فرخ (رئیس کل مباحث و معاملات) - یک لایحه استراج بشیلات جنوب پنی برای بهره برداری شیلات جنوب و یک لایحه هم راجع است به سه نفره فروش ک و وزارت اقتصاد سابق مائه است و لایحه اش تهیه شده است و برپاداشتن شیلات برای مجلس شورای ملی است - بهنام منبع دیات قدیم می شود

۳- قدیم سه نفره لایحه را طرف آقای وزیر مالیه |

ولیس - آقای وزیر مالیه فرمایشی هست .

۴- قدیم دو نفره لایحه (آقای قزاقده) - بنده سه نفره لایحه دارم پنی دو نفره لایحه مربوط وزارت مالیه و یکی مربوط وزارت پست و تلگراف است که بنده بپایان از طرف آقای وزیر پست و تلگراف میخواهم قدیم کم یکی همان لایحه است که اکثر آقایان منتظر هستند که لایحه راجع بساله تسیر جنس است (افتر - صحیح است) بدجسی ولایت خیلی از این باب می تکلیف

هستد و در اینجا تقاضای دو فوریت کم کردام (کلالی - خیلی شکرکم) و گمان میکنم اشکالی هم نداشته باشد. لایحه دیگر باز راجع پلنگ کار خیلی خوب و مطابق صلاح و سیاست مملکت است و آن آن است که همان گاردی که در رفسان مائه در آذربایجان نیست

بناحوسها بنود مراتع شاموسن را دولت اختیار میخواند که دوباره واگذار بخودشان بکند (صحیح است) لایحه دیگر راجع بوزارت پست و تلگراف است نظیر چندتا لایحه که اخیراً برای چندتا وزارتخانه میشی آردپنی اعتبارات بودیشامون مشقه دارد و تمام شده است و در پنی دیگر خیلی شد دارد که احتمال صرفه جوئی میروود میخوانم اقتال بپندمید بهم اگر آقایان قبول فرمایند تقاضا میکنم زودتر بگذرد

۵- شور اول عهدنامه مودت و تأمین بین ایرانی و ترکیه |

ولیس - عهدنامه مودت و تأمین بین دولت ایران و

دولتین ایران و قتلاده مطرح است:

خبر کیسیون:

کیسیون امور خارجه در جلسه ۲۹ آذر ۱۳۱۱ لایحه نمره ۹۹۵۱ دولت راجع به عهدنامه مودت بین دولتین ایران و قتلاده را باجنود آقای وزیر امور خارجه موردشور فرارزاده و ماده واحده ذیل را تصویب نموده اینک خبر آرا برای شور اول قدیم مینماید.

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری قتلاده را که در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۱۰ مطابق با ۱۲۰ صابیر ۱۹۳۱ در مسکو باضا رسیده و مشتمل بر پنج ماده و یک پرتکل انتخاب است تصویب و اجازه میادله نسخ صحه شده آرا بدولت میدهد.

ولیس - شور اول است . عهدنامه ایران و قتلاده مطرح است . در کلیات اشکالی نیست (گفتند - خبر) آقایانکه موافقت با ورود مواد دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد . در مواد یک و دو سه و چهار و پنج و پرتکل انتخابت هیچکدام اعتراضی نرسیده است . آقایانکه با ورود در مورد موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) . تصویب شد

۶- تصویب عهدنامه مودت بین ایران و استونی |

ولیس - عهدنامه بین دولتین ایران و استونی مطرح است شور دوم است خبر کیسیون خارجه در این خصوص: خبر کیسیون: کیسیون امور خارجه در جلسه ۲۹ آذر ۱۳۱۱ لایحه نمره ۱۳۲۲۹ دولت راجع به عهدنامه مودت بین دولتین ایران و استونی را برای شور ثانی با حضور آقای وزیر امور خارجه مطرح نموده و چون اعتراضی در موقع شور اول نرسیده بود لذا کیسیون خبر اولیه را عیناً تأیید نمود و اینک عین آرا برای تصویب قدیم مینماید.

ولیس - عین ماده واحده و پیشهای کیسیون در این خصوص:

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری استونی را که

در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۱۰ مطابق سوم اکتبر ۱۹۳۱ در مسکو باضا رسیده و مشتمل بر پنج ماده و یک پرتکل انتخاب است تصویب و اجازه میادله نسخ صحه شده آرا بدولت میدهد

ولیس - شور اولی است . اشکالی نیست (گفتند شد) (خبر) درمواد یک دو سه چهار و پنج اعتراضی نیست در کلیات ثانی هم اعتراضی نیست ماده واحده را یکبار دیگر میخوانیم و رای میگیریم:

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری استونی را که در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۱۰ مطابق سوم اکتبر ۱۹۳۱ در مسکو باضا رسیده و مشتمل بر پنج ماده و یک پرتکل انتخاب است تصویب و اجازه میادله نسخ صحه شده آرا بدولت میدهد

ولیس - آقایانیکه باموافقت دارند در وقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد

۷- شور و تصویب لایحه تسیر جنس |

ولیس - از طرف جنس آقایان باینده که پیشها داشته اند است که لایحه متعلق بفسیر جنس مقدم باشد (صحیح است) این است که قرائت می شود:

ساحت محترم مجلس شورای ملی

چون نرخ جنس خصوصاً برنج درپنی ولایات شمالی بی اندازه تزلزل کرده و در یافت قیمت جنس مالبانی بترخهای معویه کیسیونها بر طبق قانون ششم قانوم نمزی تحصیل فوق العاده برزودیان است و این تریب چنانکه در سال گذشت در تمام مملکت جاری بود ممکن است اغلب ستوان نظیر یدانکه لاله ماده واحده ذیل را قیید دو فوریت پیشنهاد و تصویب آرا تقاضا مینماید:

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است که مالیات جنسی قاطعی را که بر طبق ماده اول قانون ششم قانوم نمزی معویه ۱۲ آبانماه ۱۳۰۹ تبدیل بقیدی موقوفه است برترب فررد در قانون مذکور تا آخر سال ۱۳۱۲ تبدیل بقیدی نماید و نیز مجاز است در مواردی که نرخ متوسط عادلانه جنس در ماه سوم به از بر داشت محصول یک نخس با بیشتر از نرخهای که مطابق قانون مذکور در فوق

و با این قانون پوسلهٔ کمیسیونها تعیین شده یا خواهد شد ترقی یا تزلزل نماید جنس مالیاتی را بر خنق متوسط عادلانه در ماه سوم بعد از برپاشی محصول نمبر و قدی دریافت نماید قسمتی از ماده اول قانون ششم قانون بمیزی و نمبر ۱ یک ماده مزبوره که مربوط باین قانون است از تاریخ صوب این قانون ملغی خواهد بود

**رئیس** - فوریت مطرح است. آقای افسر در فوریت فرمایشی دارید؟

**افسر** - در فوریت موافق.

**رئیس** - آقای جمشیدی در فوریت حرف دارید.

**جمشیدی** - موافق.

**رئیس** - آقایانیکه در فوریت لایحه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب نایندگان برخاستند)

**رئیس** - صوب میشود. فوریت ملغی مطرح است. در اهرام اشکالی نیست. آقایانیکه بانوریت ثانی لایحه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - صوب شد. مادهٔ واحد مطرح است.

**آقای افسر** -

**افسر** - بمسابت اینکه از مدتی بانظر همیشه جنسها ترقی کرده بود و مالیات جنسی تسیر قدمکم که پنج تومان یا بیشتر بود حقیقتاً آفتوری که لازم بود پنج دولت نبود بنسابت کسی بودجه و اصلاحاتی که در بودجه لازم بود این از طرف دولت آمدند و قانون ۱۳۰۹ را گذراندند راجع بمیزمی که جنسها را تبدیل بقدری کنند البته از منظر دولت خیلی خوب بود بخصوص که زحمت انبار نگهداشتن و شیت خوردن و درازان فروختن جلوگیری شد و قد میگرفت ولی بهداز اینکه کمیسیونها تعیین شد و مطابق نرخ سنوات پنجسال قبل که تعیین کردند مطابق این نرخ در این سه سال در بعضی جاها از دو برابر و دو برابر و گمان میکنم بعضی جاها سه برابر یعنی بیش یعنی که کرده اند همچا از خمس بیشتر است و بعضی جاها خمس یعنی بیش می آید ولی آن

طوره که دولت احساس کرده بود این مطلب را بشکایت مردم از ایالات و ولایات رسیده بود این باید یکی از دو قسم شود والا باز هر دو سبب دودرس است باینکه مین کنند که ماه دوم و سوم همراهی که بخوانند نرخ همانوقت تسیر کنند ماه سوم خرمن بعد از برداشت محصول مین میکنند بسیار خوب باید بپوشند که وزارت مالیه مجاز است نرخ ماه سوم تسیر کند و از مؤدیان بگیرد اما این قسمتها که باز از يك خمس کمتر است یا بیشتر است برود بکسیون و مین کمتر غیر از اسباب دودرس فراهم کردن و مسای مردم باید دیگری بدرد چه فرق میکند چه از خمس کمتر چه بیشتر اساساً مقصود این بود که جنس نگاه ندارند که در انبار مصلط شود شیت نخورد عیب نکند و پولی هم بگیرند قدری بپوشند در ماده سوم چهارم همراه که صلاح میباید مین کنند که نرخ عادلانه یافت آرا قد کنند و روی مالیات قدی پیدا کنند و ناقص بقد بگیرند والا این همان مسایلی که داشت دارد و آن مقصودی که داشتیم کاملآ ناپسندنده و نظر بنده اگر آقای وزیر مالیه توجه برض بنده بکنند ضرری منوجه دولت نخواهد بود و این پنج و خمهائی که پیدا می شود که از منظر قانون گذاری بفرمان خیلی آن می آید بده که بولایات می رود يك تیرماه و ضمیرهای میکنند که خیلی اسباب زحمت است در بین نخواهد بود همین قسمت جنس را بنده در خراسان که بودم در وقتیکه کمیسیونها بود بواسطه داشتن دفتر چون دارندهٔ جنس علائقها بودند تدفیر داشته و نه تربیت دیگری اینقدر مختلف میکنند که کسیون و پیشکار مالیه همه مصل میبایدند که چه جور درست کنند نظر بنده اگر این مقصود را پیش بینی فرمایند هم موجب آسایش عمومی است و هم هیچ ضرری ندارد من بخورد و بهتر است.

**وزیر مالیه** - ایندلاصله که آقای افسر از فرموده دادند بخوانند مورد بیکم تقض غرض خودشان باشد درست عکس و قبضی آن منظوری که از سهل و ساده کردن است نتیجه میدهد همانطور هم اول مطالعه شده بود و مذاکره شده بود در کار ولی ملاحظه فرمایند اینکه کمیسیون آمد و

نرخ مین کرد بود برای اینکه هر ساله تسه نسر بریزد در آنچه که کمیسیون مین کرده بود همه جور ملاحظات و دقتها و نماندهٔ بدهی و مستندین محل و اینها شده بود و يك چیزی دست کرده بودند اینکار هم عیبی نداشت و هیچ شکایتی هم ازش نشده بود الا در آن مواردی که قیمت تزلزل فاحش کرد و از قیمت کمیسیون پایینتر افتاده بود اگر اسامال دعههٔ ایران فرض فرمایند اسامال باهر سال دیگر نرخها از نرخ کمیسیون بالاتر بود هیچ شکایتی نبود (افسر - صحیح است) بالاتر از البته بنده بدانم شکایت نبود اگر معادل نرخ کمیسیون هم بود هیچ شکایت نبود فقط اتفاق میافتد در بعضی ولایات که از نرخ کمیسیون تزلزل میکند و پایین می آید آنوقت شکایت میکند اگر بخواهیم سهل و ساده يك قاعده کلی د نظر بگیریم باید خری الاسامال تسیر کمیسیون را ملحوظ بداریم و يك راهی باز کنیم برای مردم که در موافقی که با نرخ کمیسیون تفاوت فاحش دارد مقید نباشند که اگر کمیسیون خرواری شش تومان گفته خرواری دو تومان هم باشد همان شش تومان را بدهند همین را میخواهیم در رقم قبضهٔ خیراز این منظوری نداریم این است که نظر آمد که بعضی از ولایات همان پارسال بر ارسال که مین شده بود باز کمیسیون مطابق می آید پارسال هم مطابق آمد اسامال مطابق آمد و احتمال میدهم که چهار سال پنجسال دیگر هم مطابق باید و خودش باید مطابق قانون قدیم میدهد چرا دوباره مورد ملکت را از اول تا آخر نسخ و فسخ بکنند و دوباره در تمام ملکت هرسال با کمیسیون برپا کنند با هر ساله مورد مالیه هر چه مین میکنند بدهند این را ملاحظه نکنید آنچهائی که عیب و عاتی پیدا می شود بواسطهٔ ترقی و تزلزل فاحش در آن مورد ماه سوم نرخ مین کنند ولی باقیش اگر کرد جریان خودش کار خودش را بکشد یعنی قانون سابق جاری است قانون سابق را چرا هم برتدیم بپزدن این منابض این می شود که هرسال در تمام ملکت در تمام نقاط کل و جزء ملکت باید نرخ مین کنند بر میگردد بنسیر سابق بسیار اسباب زحمت است چون این برخلاف نرخ

کمیسیون نیست نرخ کمیسیون را اگر می گنیم حالا مین کنند مطابق بود ولی مین شده و برای نرخ کمیسیونها شکایتی نیست اگر شکایتی بوده مطرح شده و بجای ردیده فقط شکایتی که هست کلا از نرخ کمیسیون پایینتر آمده صحیح هم میگوند ما هم به تصدیق میکند این را ما میخواهیم چاره بکنیم والا اگر اسامال را بکنیم که نرخهای کمیسیونها بهم برتنم خیلی آسازد زحمت می شود گمان میکنم این چیزی که نوشته شده با معامله کافی نوشته شده و حتی حاشیه را هم خیلی کم کرده اول يك دسوس بود بعد يك خمس کردیم در واقع منظور چنانچهائی حاصل می شود و با آن موافقت فرمایند همه ملاحظات شده است

**رئیس** - آقای جمشیدی.

**جمشیدی** - بنده موافقم.

**رئیس** - آقای دکتر سنک.

**دکتر سنک** - موافقم.

**رئیس** - آقای هزار جریبی.

**هزار جریبی** - عرضی ندارم.

**رئیس** - آقای مؤید احمدی.

**مؤید احمدی** - شده کلاماً این لایحه موافقه لیکن يك توضیحی میخواستم یک سوره تیسری برای من شده خواهش میکنم آقای وزیر مالیه بدست برض بنده توجه فرمایند يك توضیحی فرمایند که در این سوره تمام میشود بنده خاطر ام است وقتی قانون بمیزی میگذشت همین حرف زده شد در مجلس که ممکن است نرخهای جنس ترقی و تزلزل کند در بعضی ظرفی که دولت دارد که يك مالیات ثانی روی ملک گذارده شود آن نظر باز ممکن نشود وقتی تزلزل کرد و غیر این است که يك تربیت ثانی در این خصوص داده شود از این قانون بنده اینطور فهمیدم و عبارت خودی بود که برای بنده يك سوره اینطور آورد که به آقای جمشیدی هم عرض کردم که خوب است آقای وزیر مالیه يك توضیحی در این قسمت بدهند و وزارت مالیه مجاز است که مالیات جنسی تقاطعی را که بر طبق مادهٔ اول قانون ششم قانون بمیزی صوب ۱۳۰۹ آن زمانهٔ ۱۳۰۹ تبدیل بقدری مقصود است یعنی آنچهائی



که ناین تاریخ تبدیل بقصدی شده معلوم این قانون نمی‌شود ۱ (دکتر طاهری - چرا بدین نامه این بود که میخواست توضیح فرمایند و ترتیب مقرر در قانون مذکور تا آخر سال ۱۳۱۲ تبدیل بقصدی ننماید پس آتجاهالی که تبدیل بقصدی شده است آوقت اگر این آویز، بکلی بخورد دفع سوء قلمم بند می‌شود ولی اگر باین جمله آخر بخورد دفع سوء قلمم تمام می‌شود و فرمایند که بکلی بخورد

**فرمایشیه -** مسلماً آویز ۱ راجع بوجه اثر است اینجا ما در واقع دو مطلب است عوض اینکه دو ماده بکنند یا یک ماده کردند بدخلف دو مطلب جداگانه در یک ماده واحد کجا دادند اصل قسمت دوم است مطلب دوم این بوده که هرگاه ترفی یا تزلزل بکنه از خسب بیشتر باشد دولت آرا نسیم بکند مطابق نرخ عادلانه بازار نه مطابق نرخ کیسیون. این یک مطلب متلب دیگر است و شمتاً در این مدت آزمایش دولت تجربه حاصل کرده است و بقصدی موافق شد آن چند هفته که در ابتدا تبدیل بقصدی نشدند مگر آتجاهالی تبدیل بقصدی بکنند منتهی ممکن است که یک لفظ "ویز" جایز دیگر هم در آن جمله اول اضافه فرمایند که آتجاهام که تبدیل نموده آتجاهام تبدیل فرمایند یعنی مجاز است تمام آتجاها را تبدیل آتجاهالی که قلمم تبدیل بقصدی شده یا بعد از این تبدیل بقصدی می‌شود کلیه را با آن ترتیب که قلمم اگر از یک خسب کمتر یا بیشتر باشد تسیر کند

**ولیس -** آقای وثوق.  
**وثوق -** عرضی ندارم.  
**ولیس -** آقای افسر

**افسر -** راجع بانگالی که اول بنظر بنده رسید بعد از توضیحاتی که آقای وزیر ماله دادند بنده قانع شدم بنده چون چاپ شده است ماده را ندیدم و دستنویز بودی که خوانند خدمت دولت ملتفت نشدم و دیدم مقرون باوضاح و احوال خواهد بود این بود که باین قسمت اشکالی کردم و بعد از آنکه گفتند موافقم و اما اشکال سرباز بود که خواست بدام که از این قانون تأمین نرخ ممکن است جریمه برشان تلقی بگردد این قانون را که

گذرانیم آتجاهالی که باید مالیات بدهند آتجاهالی که بها شده اند برای مالیات دادن دستور بدهند که جریمه را بگیرند و هر کدام که ندادند در این مدتی که این مطلب را میخوانند انجام بدهند اطلاع بدهند که جریمه بگیرند تقصیری بر آنها نیست امروز که ما میخوانیم قانون را بویسیم برای آنها که مالیات ندادند تا جریمه تلقی نکنند. این را خوب است توضیح فرمایند

**ولیر ماله -** در مسئله جریمه بکنند، افزوج فرمودند و آن این است که اگر بنا بود مالیاتی که از مردم گرفته می‌شود همه در یک جا و یک روز گرفته شود این مردم حالا یکی دو ماه است مخصوصاً در مازندران و کیلان شکایت دارند که این سنگین است و همه ما می‌گوئیم که این را تحت قانون می‌بریم آوقت اگر تأخیری شده باشد باید به آنها رجوع شود ولی اینطور نیست مالیات بقسط گرفته می‌شود اینجا همین سببها می‌شد که خیلی مردم شکایت میکردند بنده دوسه هفته قبل که رفتم مازندران آنجا تحقیق کردم دیدم هیچ مورد شکایتی از این باب نیست از هر کسی که تحقیق کردم برای اینکه فرض فرمایند مالیات را در دشت قسط بگیرند اگر بخواست گذشتن این قانون تحقیقی حاصل نمودیم پس از یک قسطن یادو قسط یسه قسطن که بیشتر تخفیف حاصل نمی‌شود آن قسط‌های اخیر را بکن است تخفیف بدهند بنده در مازندران هم گفتی اگر قسط اول را بدهند چیزی کم نمی‌کنند قسط دوم و سوم دام داده باشند فرض کنید که مالیات شد نصف آن بقسط اخیر را دیگر ندهند تخفیف این است آن سه قسط اول را باید در وقتش داده باشند مثله جریمه غالباً ملحوظ می‌شود با ترتیب قسط بندی و تحویل و غیره ما اختیار داریم که قسط را تأخیر بکنیم یعنی از سربرو یکیم یا از آبان یکیم همه جور اختیارات داریم ولی جریمه را اختیار نداریم و حق که موعده منین شد آن قسط اول را باید در وقتش بدهند این را البته آقایان متذکرند که صحبت شد و مکروند که اگر جریمه نباشد برای دادن مالیات اصل خود قانون حکمشن را می‌شود چون این قانون برای این است که تحصیلدار

موقوف می‌شود ترتیب سرخرمن موقوف می‌شود خودش باورده بدهد اگر خودش باورده بدهد آن حکمت قانون از این می‌رود لذا اگر دولت کمت و کیسیون که قانوناً صحیح است البته نمیگیریم ولی اگر خودشان باورده بدهند البته جریمه ندارند

**ولیس -** آقای دیبا

**طباطبائی دیبا -** همان ترتیب که آقای وزیر ماله فرمودند حقیقتاً ناسازگار است مالیات شمالی ملتت شدت لایحه خوبی هم نداشت اشکالی هم نیست فایده هم دارد ولی بنده بدو اجازه خواستم بومد راجع باین مسئله جریمه توضیحی که آقای وزیر ماله دادند بنده عقیدم این است در این قانون که امروز اصلاح می‌شود اگر مسئله جریمه تصحیح ننمود بود اسباب زحمت می‌شود و بنده یک تذکره داشتم راجع بجریمه سابقاً هم عرض کردم حقیقتاً مسئله جریمه که موافق قانون قصدی گرفته می‌شود این در بعضی جاها خیلی اسباب زحمت مردم می‌شود البته بدیعی است غالب ملائین و عموم رعایا از این قانون متلع نمی‌شوند و در وقتش مقرر است که اقساط خودشان را با تأخیر بنده اند و همین که قسط تأخیر پیدا کرد فوراً جریمه تلقی میگردد و جریمه دام و مورین ماله میگردد بنده این است که در اول هر سال باید موقوف نامسی از طرف وزارت ماله امر شود به انامی ماله که در هر جا قلاً یک اعلانی تهیه بکنند و آن اعلانی طبق و توزیع بنرد و مابین رعایا و بین عموم ملائین منتشر کنند که آنها را نسبت بوظیفه خودشان آشنا بکنند که در فلان موقع مقرر فلان قسط مالیات را اگر ندهید فلانقدر جریمه تلقی میگردد والا اگر این اعلان را نیکه رعایا مطلع نیستند غالباً و اسباب زحمتشان است و انامی ماله هم می‌فرستد فوراً در آن وره که هذت یک خط فریزی کشیده می‌شود و جریمه را از نشان میگردد و اسباب زحمتشان می‌شود

**ولیر ماله -** بنده عقیده‌تان چیزی نفرمودند ملتت شد اما نیندادم که اگر این کار را نکنند چکار کنند (طباطبائی دیبا - گفتند اعلان کنید) برای جریمه ما که هر سال در هر محلی در هر قطعه یک قسط بندی که تعیین

امسال که دولت تعیین کرد از اول شهریور ماه بگردد در اقساط دو قسط آتبه از اول مهرماه اول اکتوبر باشد باید اعلان بکنند این برای سهولت آسانی بدو کار مردم قرار شده که یک مرتبه دولت تعیین کند که فرض بکنند در اردکان از این وقت شش قسط گرفته می‌شود آتاهم مثلاً از اول مهرماه این را هم تمام مردم مبدانند و این مکرر بحث شده که آتجاهالی که مردم خودشان باید رعایت قانون را بکنند صرفه قسط دولت و مملکت آتجاهالی بکنند مردم نمیدانند اما ما اعلان کردیم که مستتریات را باز خرید میبیم از کرامان هم میرسد از همه جای ایران می‌رسد باید قانون را بداند مردم باید یاد بگیرند و باید مراب باشند مژدان مالیاتی و این چیزهایی که برقرار می‌شود صرفه خود مردم است همیشه می‌کنند که مأمور ماله می‌رود در ده می‌نشیند و خرج میخواند پس خواهد این کار را برای این کرده اند که خودش باورده بدهد حالا وقتی که باید باورده بدهد کمان میبیم اولاً بدون جریمه هیچ راهی برای وصول مالیات نیست و الا بکلی باید قانون را مللی کرد و تا بیا تمام حکمت این قانون در جریمه است جریمه برای این است که اگر موقوفش گذشت باورده و نداد والا اگر اعلان بکنند در دادر جریمه تلقی نمیگردد و اگر بروند می اقساط بکنند این فایده ندارد خود آتاهم توجه هستند که مردم خرده مانک و ذارع آن چیزی که باید بدهد از همان چیزی است که دارد و اگر آن چیزی که دارد بفروشد و خرج کند بد و مأمورین ماله که بروند از او چیزی نیتوانند وصول کند این وقتی که بوقع بگذرد و دوباره وسامه می سیر کند که انتناق می‌آورد و دیدم آخرش هم باورده آوقت به آن ماده دیگر که اسبابش را حراج بکنند میکند و آن صرفه خودش نیست و هیچ اعلانی بهتزاز یک مرتبه جریمه گرفتن نیست که برای همیشه بماند باید بدو قسط باورده و بدهد ولی آن چیزی که آقای افسر فرمودند البته آن منطقی است و بنده قبول دارم الا آن هم توضیح میدهم با میخوانید بویسید که اگر بعد از این حالا که می‌رویم زمین کیم نرخ را اولاً بدانند ماله می‌شود مین کرد اما اگر طول کشید البته تا بد جریمه

گرفته شود (آخر - بدفاسله این قانون ۴ اخطارهای) **ولیس - آفری - جمعی**

**چشمبیدی -** عرض کند مالیات مازندران از شهر بورایان طرف اقبالش شروع می شود و تا بحال چهار قسط میگردد و هر قسمتی که اخیر اقامه مالیات جریمه راه گرفته اند منضمه است حالا که قریب مالیات این ملور پیش آمده که بدین لایحه زود کرده این جرائی که راجع باین سه چهار برج گرفته شده است این را هم از باب مالیات هذالت محسوب بدانند منضمه ما راجع باین قسمت است بمخواستم اینرا استدعا کنم در این لایحه بکنجاست که در موقع عمل دیار اشکال نشوند

**ولیرمالیه -** این را بنده تصور میکنم قبلا جواش را عرض کردم اینها که از اول شهرور بایستی مالیات بدهند باید قسط اول دوم مالیات خودشان را بدهند یعنی بافتار این که قانونی می آید باید قسط مالیاتش را ندهند (چشمبیدی - مالیات و جریمه هر دو را داده اند) همیشه به آنها گفته شد که این دوک در این خیالات و باید یک فکری هم بکنند و بعد همان حال معلوم بود که از قسط آخرشان کم میکنند (کلالی - جنستان فروخته نشده بود آنوقت اگر بنا باشد پنج قسط را بگیرند اگر باشدو تخفیف داده شود قسط ششم را نمیکیرند یا بنا شود سه قسط را بگیرند از چهارم نمیکیرند و این که فرمودند جنستان فروش زرقه خوب شد فرمودند که حالا جواش را عرض کنیم این که تبدیل نفدی میکند برای همین است که مربوط به جنس نباشد یعنی وقتی که گفته اند تا قدر مالیات دارند آنوقت چه جنس باشد چه نباشد مالیاتش را نمیکیرند مطابق رای کمسیون وقتی که تبدیل به نقدی شد اول قسطنش که رسد باید قسطنش را بدهد شکایت هم میکند که بکند که مالیات سنگین است شکایت هم کرده اند و رسیدگی شده حالا اگر بنا باشد کسی قسط اول را ندهد باید تاخیر کرده باشد جریمه از او گرفته باشد این را نمی شود کاری کرد برای این که از قسط اول شروع کرده است به ندادن این معلوم است که جریمه باو تعلق نمیکرد و حالا برای این سه قسط آخر ماضول که فرمودند از شهرور شروع نشود

و اگر مطابق این قانون تخفیف داده شود گرفته نمی شود **ولیس - آفری - کلالی**

**امیر تیمور کلالی -** وقتیکه بدهنده خواهان همان نظر آقای چشمبیدی را بمخواستم تذکر بدهم و بمخواستم حضور آقای وزیر مالیه عرض کنم که موهبی که ماقابین میزی را بگذاشتیم بنده خودم بکلی از ماقابین تبدیل جنسی به نقد بودم که همه ساله زحمت تحصیل و مطالعه جنس و انبارداری از این برود ولی چیزی که هست اینها جنس بواسطه تنزل فرقیالده اید فروخته شده است در غالب قاطع خراسان در قاطع سرحدی خراسان بهچوچو منالوجوه جنس فروش زرقه حتی قاطعی هست که جنس در خراوی - سوتومان و چهار تومان هم فروش زرقه و خریداری پیدا نکرده و آنهم اگر مشتری باشد بدهد حاضر از طرف تمام آن کمبودها و رعایا که بود سوتومان و چهار تومان معامله قلعی بکنم خوب این اشتناس باید جنستان را بفروشد که بتواند تهیه نقد بکند و تهیه پول بکند و چون جنس فروش زرقه است او باید در ارفانی بدد که حقتش بنده که جنس را بفروشد و مالیات را بدهد و حالاکه حقیقتاً آقای وزیر مالیه بنظر ارفانی دارند و این قانون را هم برای همین منظور آورده اند بنده هم همان نظر آقای چشمبیدی را دارم که از جرائی که ارسال مآخوذ شده یا می شود صرف نظر بشود و آن جرائم ازبایت مالیاتندان حساب شود این هم برود ارفانی است

**ولیرمالیه -** مکرر عرض کردم که در ضمن یک ارفانی و یک تخفیفی که ودا می شود یک چیزهای دیگر هم ودا می شود و یک تقاضاهای می شود که باصل معاب خلل وارد می آورد و این نکته که الا آن دشمن فرمایند اتان فرموده که باید جنس را در فروش و بدهد این نظر اصلا اصل مالیات را از این بین می برد اما مالیات را مربوط به جنس نکردیم اگر این اصل مسلم شود که هر کس که مالیات باید بدهد جنسش را باید بفروشد این شخص هر وقت که مامور مالیه ورود میگوید آقا این جنس من مد این است (کلالی - آقا بی پول این

کجا بیاورد) خوب این را باید آفوت گرفت باید که قانون را باید نسخ کنیم و این قانون که نسخ نمیکند آن قانون را قانونی آورده اند که جنس داده شود و نقد داده شود یک قانونی هم هست که مردم نقد فروش هم مالیات بدهند اگر جنسی باشد هر وقت که فروخته می شود بدو روز و پنج تا ناکه بقیدو خالصم پست و پنج است اگر این طور باشد اساس مالیات ملک از این می رود ما خواستیم این حکایت علانی از وزارت مالیه از این برود این ترتیب جنسی را اگر پنج شش سال نگیرند طوری فراموش می شود که دوباره اگر واچند و بگویند مالیات چو و کدام را بدهید میگویند چه کدام مالیات ندارد این یک مالیاتی است که باید بدهد بکمال زیاد دارد بکمال قسان دارد این یک مالیاتی است که به قسط بالا فرض میگردد مثلا از اول شهرور این فرض میگردد حالا فرض فرمایید یک کسی هم در فرودین و اردبیل کدم زیادی فروخت ما که نمی آیم بگویم بابت مالیات بنده همان را نگاه بدارد اول شهرور بابت جنس آیه بدهد اما بابت جنس نیست که فرار گذاشتند اول شهرور مالیات را بدهند باید بدهند و الا این مبلغ را فرض فرمایید در مازندران واقعا جنس خیلی تنگ کرده بود که بنا براین باید باشد که اساساً یک جماعتی که یک تکلیفی را دارند مطابق یک قانونی باید این که یک قانونی بدد خواهد آمد تکلیفی قانونی خودشان را انجام بدهند و مالیات را بدهند آنوقت چنانکلیفی ودا میکند هر سال یک کسی میگوید ارسال ما نداریم نمی شود فقط در یک مورد استثنای که آقا میفرمایند یک جایی رخ کبیر بودم سوتومان بودم کدم باید پنج آنجا سوتومان شده عرض فرمایید اخصاف هم کمتر شده یک تلت شده که حتی از قسط اول و دوم هم بهشان ضرر خودده است این را بنده حرفی بدارم که همچو موردی را ممکن است قید کند که تخفیف داده شود ولی ما همچو چیزی که در این جا نوشته ایم یک جنس نوشته شده اگر خواهیم باید جنس قانونت هم جریمه را نگیرند این صحت مازندران نیست بلکه در این مورد باید دو تلت ایران را جریمه نگیریم و جریمه

یعنی از نمایندگان - مذاکرات کافی است **امیر تیمور کلالی -** اجازه بفرمایید یک قیدی صحبت بدهد **ولیس -** عاظم با کذب مذاکرات **ولیس -** در کبابه مذاکرات عرض کنم با در اصل مطلب **ولیس -** دلیلان را بفرمایید که چرا کافی نیست **ولیس -** البته بطور کلی که این قانون نسبت به قانون سابق بهتر است و باید فکر اجرائیش را هم کرد که با شکلی برنخورده چون یعنی چیزها بد این قانون ندارد و باید بد نظمانه بپوشند (کلالی - تقاضایم ندارد) خودشان بنویسند و این جا نوشته وزارت مالیه مجاز است و البته یک اجازه که وزارت مالیه چاره وقتی

از پس بدهد و در صورتیکه باید جنس اجازه بدهند که آنها خودداری بکنند حتی ارسال اجازه که بدهد چه برای یک سس بود و یک جنس بود حالا آوردیم این نیک جنس حالا که بگویم جنس را قبول کردیم پس بر گردیم در اسال هر کس بد تمام ایران مالیات را نداده جریمه تعلق نگردد این اگر موارد استثنای دارد بمباید جلوری جنس تنزل کرده که باید تلت قیمت شده یا نصف شده و بنده در این مورد حرفی ندارم (چشمبیدی - هینظور است) اگر هست همچو چیزی من حرفی ندارم (چشمبیدی - در مازندران) عرض کردم دیدک موارد استثنای که بطور قاضی تنزل کرده باشد که واقعا منقلا و عدالاً آدم فکر کرده است که برای آن قسط اول و دومش هم اسباب زحمت می شد اگر یک چنین چیزی باشد این را می شود همچو قیدی کرد اما باید جنس قانونت که مردم نمایندند مردم استهانان بزد بکریاز که نمایندند ما میخواهیم باین یک همچو قانونی را بیاوریم و او تکلیف قانونیش این بوده که نصف اگر فرق میکرد باید بدهد و یک همچو قانونی نبود (چشمبیدی و دیگر سنگ - مردم هتظن این قانون بودند) اگر هم هم منتظر بودم برای این بود که فرق قاضی کرده است و در مازندران و گلان بود که فرق قاضی کرده

که جنس تزلزل میکند در قاطب متخلفه باید شکایت کرد  
 وزارت مالیه که وزارت مالیه دستور بدهد با این که خبر  
 این جا مالیه که نوشته شده عموم مالیه است؟ پی اکر  
 بنده میهم در یک جا جنس تزلزل کرد به مأمور مالیه آن  
 جا باید مراجعه کنم باین که بهایه مشهد باین که هرگز  
 باید شکایت کنم پروازخانه و وزارتخانه تحقیق کند  
 مالیات طول میکشد چرباش با این که پارا جازمانده بنامور  
 مدنی اجاره داده اند و وقتی پاد بگویند تحقیق کند و بعد  
 نرخ عاید را بدین حد این کاد چه زرب انچه میشود  
 اگر این را بدققان توضیح فرمایند بنده عرض بنام  
 والا یک اشاره فرمایند بجهت این که با اختیار دست  
 مأمور مالیه است یا لااقل مثل این که تمیز بین کردند  
 با سایر جنس واکه به صدیق دوش از مشتمین محل  
 بین کرده مرجع این کار را بدین کنید که پیشکار مالیه  
 یا همان کمیسیون که دوش از مشتمین محل باشند  
 باید بین خود که بدقار پاد به اداره خبازخانه بدقار  
 تجاری رجوع کنند این یک چیزی است که باید این  
 شود و چه جا را باید با خود بد نظر گرفت ممکن است  
 پیش بینی کرد رجوع شود بداره خبازخانه ولی ولايات  
 کوچک این جاها را ندارد باید یک زبیه قرار داد که  
 بمطلب کابل مأمور شود که اولاً جنس زرخش کمشد  
 حالا اگر کران شد که خود مالیه مدعی است و بدست  
 میکند ولی وقتیکه تزلزل کرد و باید ادقانی نیست به سایر  
 بنود این را باید یکجا شکایت کرد اگر باید بهایه  
 هم شکایت کرد و محتاج نباشد که باین جا شکایت شود  
 این بهتر است بدهم تبیین رخ چه طریقی است بین  
 کید باورسید بدها یا باورسید دیگر که معلوم باشد و  
 اختلاف نظر بین مؤادین مالیاتی و مالیه ایانی و مالیه های  
 خیلی کمتر پیش باید خوب پاد به باز یک فاصله است  
 بین دعای و مالیه ولی اگر این را مبین نکنند و بیخود  
 قیام بگذرانند نظر بنده خیلی اسباب اشکال می شود که  
 باید یکی یکی گرفتار شوند و شکایت کنند وزارت مالیه  
 چون کند و نظر بنده اگر حالا مبین کید این دو  
 مطلب را بهتر است.

**ولیس** - آقایانیه مذاکرات را در این لایحه کافی  
 میداند قیام فرمایند  
 (غالب قیام نمودند)

**ولیس** - کافی است. پیشنهادی از آقای شریعت زاده  
 رسیدبات قرائت می شود:  
 مقام منبع ریاست. پیشنهاد میکنم دستور اول ماده واحد  
 بجای جمله (مجاز است) اضافه (است) داشته شود  
**ولیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - بنده این پیشنهاد را برای  
 منظور قدیم کردم یکی این که تصور میکردم که مذاکرات  
 کافی می شود و اجازه بدهند نمی رسد و با بوسیه  
 بیخواسیم یک نظری که داشت عرض کنم (کلامی ...  
 استدعا میکنم بپذیر فرمایند) بله چشم و آن این است  
 که مگذاران بدو را وجع و جریبه افساد گذشته یک  
 سببیتی گردید و آقای وزیر مالیه از قلم نظر اصولی  
 و این که باعث اختلال در اساس قانون میشود توانستند  
 موافقت کنند نظر بنده از قبضه نظر اصول و قوانین  
 تلکتی امی هیچ است که موافقت کنم بجهت این که  
 مدقق است هیچ تکلیفی و خطی می هر تکلیفی که  
 ناخریش مستد پاراده فاعل نباشد این الزام آوردست و  
 نظر باینکه همه کس میداند دادران اشخاصی که مالک  
 هستند وجوه نقد منحصر آنچه فروش عایدات املاکشان  
 است و این را دولت میداند بنابر این قلم نظر از اجازه  
 دولت و قلم نظر از تصریح بد این قانون هم آقای وزیر  
 مالیه می تواند در جاهای که بواسطه تزلزل ناخوش و عدم  
 امکان فروش تحصیل وجه نقد ممکن بوده خودشان  
 معافیت آنها را اعلام کنند و قواعد و اصول کلی این  
 را اجازه بدهد (صحیح است) ولی اگر موافقت  
 میگردند و بد این جا ذکر می شد بهتر بود اما توضیح  
 که در این باب داختم این است که در این جا نوشته شده  
 وزارت مالیه مجاز است در قوانین این دو اصطلاح هر جا  
 یک مبنی خاصی دارد در مولودی که مجاز است بنی  
 اختیار با خودش است دوسوم دیگر دلایلی که آقای وزیر  
 مالیه در مقدمه این لایحه ذکر کرده اند و وجوب این  
 مطلب را میرساند بنابر این پیشنهادی که بنده کردم

موانع استدلالات مقدمه این لایحه است و اگر آقای  
 وزیر مالیه موافقت فرمایند و اگر تصور کنند که این  
 نظر نباشد لابد توضیحاتی خواهند فرمود.

**وزیر مالیه** - این فرموده و معلوم میگرداند مجاز است در همه جا  
 (نه تنها در ممالک ما) در قوانین می آید برای این که  
 دولت میخواهد از مجلس اجازه بگیرد که اینکار را بکند  
 مگر اینکه طرح قانونی باشد که آنجا مجلس دولت را  
 مکلف میکند ولی وقتی خود دولت میخواهد بکند اجازه  
 از مجلس بگیرد البته میخواهد بکند که اینکار را میکند  
 اما در قسمت اول صلح این است که مجاز است در همه  
 برای اینکه تبدیل بقدری و الا این دولت قصد دارد عدم  
 تصویب دارد که در همه جا عملی بکند ولی اگر در یکی  
 دو قطعه اینطور بود که تبدیل به نقدی نشود مجاز است  
 باشد بهتر است و هیچ عیبی ندارد ولی در قسمت دوم قصد  
 ما این است که حتماً بکنند مکلف است هم بنویسند بنده  
 حرفی ندارم اما در مسئله جریبه دو باره تکرار میکنم  
 که هر تقاضای عادلانه و منصفانه را باید صلح حکمت لایحه  
 کنم منظور اینست که تقاضایی که یاصل حکمت لایحه  
 سکت و ضرر وارد دومی است که آن تقاضا را بنده میگویم  
 قبول میکنم و الا اصل لایحه را مختل میکند و بنده  
 وجوب میشود که لایحه را پس بگیرم بومی اگر تقاضای  
 غیر منصفانه باشد و اما در مسئله جریبه دامن خوبست  
 بنظر بنده آقایان در ضمن این مطلب را تکرار فرمایند  
 که مربوط به جنس است مالیات دادن این اصارا بنده  
 نمیتوانم قبول کنم ولو در عالم بحث اگر چه یک جایی  
 هم بنویسید اما در عالم بحث هم که هر یکی از آقایان  
 فرمایند این را بنده عرض میکنم نمیشود برای اینکه  
 این مالیات میشود دیگر هر کسی آن مالیاتی که باید بدهد  
 مثلاً مالیات بر تجار طبقه اول و دوم تجار است هر  
 تجاری میباید بگوید که احوال تجارت ما کاری شده  
 است پس مالیات تکبیر این نمیشود مالیات ثابت است  
 بگرفت هم ضرر میشود این را باید تفکیک کرد ولی  
 در مسئله جریبه دو باره تکرار میکنم اگر این تزلزل

**کلامی** - اجازه بفرمایند  
**ولیس** - پیشنهاد است  
**کلامی** - بنده اجازه میخواهم در ماده صحبت کنم  
**ولیس** - نمیشود مذاکره در ماده کافی شده است  
**کلامی** - بنده هم پیشنهاد میکنم  
**شریعت زاده** - آقای وزیر مالیه از فرمایشات  
 معلوم شد که اجرا خواهند کرد این نظر را و موافقت  
 کردند که مکلف است و هم حرفی ندارند بنابراین بنده  
 استرداد میکنم  
**ولیس** - آقای چشمبیدی پیشنهادی کرده اند  
 مقام منبع ریاست مجلس شورای مل  
 بنده پیشنهاد میکنم بدهد واحد این جمله را اضافه  
 کنید چرباشی که از باب ناخبر افساد تاکنون در سال  
 جاری اخذ شده از بابت اصل مالیات محسوب شود  
**چشمبیدی** - آقای وزیر مالیه فرمودند که مطابق  
 قانون مالیات دویز مؤادین مالیات باید افساد خودشان را  
 در مواردی که وزارت مالیه تعیین کرده است بپردازند  
 و اگر بپردازند باید جریبه بدهند بنده عرض میکنم  
 همه کس میداند در مازندران شلنگ شالی دوازده هزار  
 است وزارت مالیه مطابق دستور کمیسیون سه چهار هزار  
 دیگری دوازده هزار پاسی و چهار هزار قاضی  
 دارد و باین جهت در ابتدای امر در اول محمول تمام احوالی  
 مازندران و کیلان شکایت کردند که مانع باینهم مطابق

رخ امروزه این ممالک را بدهیم و از طرف مقامات مربوطه  
 باینها دعوه داده شد که يك همچو لایحه به مجلس می آید  
 و اسباب ترفیه حال آنها خواهد شد مردم از یکطرف  
 بجهت اینکه واقعا پول نداشتند امروزه در مازندران و  
 کیلان هر کسی درست دقت کند می بیند که وضعت  
 بی یورولیان بچه حال رسیده است از یکطرف پول نداشتند  
 که بدهند و از یکطرف باطمینان دولت یک قدری مالیات  
 خودشان را تأخیر انداختند ولی مالیه سر ماه که شد  
 از اول شهر بود فشار آوردیم - پول گرفت هم جریمه گرفت ما هم  
 فعلاً نفاذمان این است که آن جریمه ای که تا کنون گرفته  
 شده در هذ البته این را از بابت مالیاتی که باید بپردازند  
 محسوب شود و گمان میکنم همینطوری که آقای وزیر  
 مالیه فرمودند این يك تقاضای غیر عادلانه نیست که ما  
 میکنیم زیرا تفاوت غیبی است دوازده هزار کجا و سی  
 و چهار هزار کجا ۱۱ معذرا ممکن است که بنده این  
 پیشنهاد خود را مسؤد کنم ولی این يك ضرر کلی است  
 که باهال مازندران و کیلان وارد میشود .

میکند باشد قبول میکنم ولی بطور کلی نمیتوانم قبول کنم  
 ممکن است در این زمینه يك پیشنهادی بشود .

**جمعیلی** - بنده مسؤد میبارم .  
**ولیس** - پیشنهاد آقای دکتر سنک

بنده پیشنهاد میکنم جرایم مالیاتی تا تاریخ تصویب  
 این قانون حذف شود  
**ولیس** - بفرماید

**دکتر سنک** - الان پیشنهاد خود را اصلاح میکنم  
**ولیس** - پس يك پیشنهادی هم آقای امیر تیمور  
 کرده اند و یکی هم آقای دکتر طاهری کرده اند میخواهم  
 تا آنوقت مابین همه اینها يك توافق نظری حاصل شود

**پیشنهاد آقای امیر تیمور کلانی**  
 جمله ذیل را بماده واحده پیشنهاد میکنم در نظای  
 که بواسطه تزلزل فاحش قیمت جنس اقساط مقرره پرداخت  
 نشده و جریمه تعاقب گرفته جرایم ماخوذه از بابت بدهی  
 اصلی آنها محسوب میشود

**پیشنهاد آقای دکتر طاهری**  
 مقام منبع ریاست دامت عظمة  
 پیشنهاد میشود در ماده واحده بعد از عبارت برداشت  
 محصول اضافه شود : مطابق قانون متمم قانون آمیزی  
 مصوب ۱۶ آبان ماه ۱۳۰۹

**امیر تیمور** - اجازه بفرمائید  
**ولیس** - پیشنهاد آقای دکتر سنک را هم اصلاح  
 کرده ایشان مقدم هستند منظور این است که اگر بنود  
 توافق کنند و الا هر کدام بنوبه خودش باید صحبت شود  
**دکتر طاهری** - اجازه بفرمائید

**ولیس** - آن مربوط باین قضیه جاری نیست  
**دکتر طاهری** - بنده پیشنهاد کرده ام

**ولیس** - رعایت نوبه شما هم میشود . آقای امیر  
**امر** - بنده هم موافقت با این پیشنهادها کردم  
**ولیس** - این پیشنهاد که ملاحظه آقایان در آن  
 رعایت شده قرائت میشود :

پیشنهاد میکنم در مواردی که تزلزل قیمت جنس نسبت  
 بنرخ مسکین - بیون بیش از نصف یا بیشتر باشد جرایم  
 مالیاتی حذف شود - دکتر سنک - چه شدیدی - دبیر  
 مهرای - دکتر سمعی - مهمت سنک - امیر

**ولیر تیمور** - این را بنده قبول میکنم آقایان هم  
 موافقت دارند نصف یا بیشتر از نصف باید دیگر جرایم  
 را هم مسؤد که آقایان فرمودند از بابت مالیات حساب میکنند  
**امیر تیمور** - اجازه بفرمائید بنده هم با این پیشنهاد  
 موافقم .

**ولیس** - آقای وتوق هم تقریباً عقیده شان همین است  
**وتوق** - بک

**ولیس** - پیشنهاد باصبعجانی که شده قرائت میشود  
 اگر مورد رضای آقایان باشد رأی میکنیم :

پیشنهاد میکنم در مواردی که تزلزل قیمت جنس نسبت بنرخ  
 کبیرون از نصف یا بیشتر کتر باشد جرایم مالیاتی بابت  
 مالیات محسوب شود .

بعضی از نمایندگان - نصف یا بیشتر از چه چیز  
**ولیر تیمور** - خوبست آقای مولود احمدی خودشان  
 این قسمت را اصلاح بفرمائید .

**ولیس** - آقای وزیر مالیه اصلاح را توجه بفرمائید  
 در مواردی که تزلزل قیمت جنس نصف یا بیشتر از نرخ  
 کبیرون باشد جرایم ماخوذه بابت مالیات محسوب میشود  
**ولیر تیمور** - هذ البته هم باید اضافه شود .

**امیر تیمور** - اگر اجازه بفرمائید در ظاهر بجای  
 موارد نوشته شود بهتر است

**ولیر مالیه** - هر دو يك مطلب است  
**ولیس** - وقتی معهود باشد لازم نیست آقا

يك پار دیگر هم اشکاف بفرمائید خوانده می شود ؛  
 دهده البته در مواردی که تزلزل قیمت جنس نصف یا بیشتر  
 از نرخ کبیرون باشد جرایم ماخوذه بابت مالیات  
 محسوب خواهد شد

**امیر تیمور کلانی** - نصف یا بیشتر از نصف اصلاح  
 بفرمائید .

**ولیس** - این طور نمی شود بگذارید با اصلاحاتی  
 که توافق شده باید قرائت شود

**امر** - آقای وزیر مالیه آن چیزی که موافقت  
 فرمودند خودشان مینویسند

**ولیس** - موافقت کرده اند ولی عبارت باید طوری  
 باشد که صحیح باشد معذرا قرائت می شود توجه بفرمائید :  
 در مواردی که تزلزل قیمت جنس در دهده البته نصف یا  
 بیشتر از نصف از نرخ کبیرون باشد جرایم ماخوذه  
 بابت مالیات محسوب خواهد شد

**ولیس** - آقای دکتر سنک

**دکتر سنک** - بنده خواستم قبلا از آقای وزیر مالیه  
 تشکر کنم که يك همچو لایحه را مقدمه و مجلس  
 فرمودند و حقیقتاً يك ارفاقی نسبت باهالی مازندران و  
 کیلان فرمودند (امر - همه جا) حقیقتاً همه جا ولی  
 این نکه را میخواستم حضور مبارکشان تذکر بدهم که  
 راجع به نایه مالیات تسط بدینوسیله اگر نظران باشد

**ولیس** - آقا مذاکصره تمام شده منحصراً  
 در این پیشنهاد می شود حرف زد

**دکتر سنک** - خواستم در این قسمت ها حرف بزنم  
**ولیس** - آقا يك باب عایده است والا الا  
 چند قر از آقایان اجازه خوانستند

**دکتر سنک** - پس عرضی ندارم

**ولیس** - در مضمون این مسئله دیگر اشکال نیست  
 (کنت شد - خبر) پیشنهاد آقای دکتر طاهری اقرات  
 میکنم :

پیشنهاد: بعد از عبارت برداشت محصول اضافه شود  
 مطابق قانون متمم قانون آمیزی مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹  
**ولیس** - بفرمائید

**دکتر طاهری** - يك نظریه را حضرت والا آقای  
 امر فرمودند که بقیه بنده این نظر باید تأمین شود  
 مطابق قانون آمیزی کبیرون زرخ را تعیین می کند و  
 این تا بود ثابت باشد که هر سال تغییر کند و به میل  
 اشخاص کم زیاد نفعد حالا به تقاضای اینک جنس نوبی یا

تزل بکنه و ممکن است که گاهی دول مقبول شود گاهی مودی مالیات این لایحه را آوردند برای اصلاح این موضوع و این کار عادلانه است یعنی مطابق اینکه بکمال یکجا اجناس تزل میکند مثل گلابن و مازندران باید تخفیف بگیرد و یک قسمت های جنس زرقی میکند مثل سایر قسمت های ملک که اسامی زرقی کرد (افسر - جنوب) ولیکن حالا در قسمت دوم که منوشه است چنانچه از یک خمس یا بیشتر تزل یا زرقی کرد بایستی دو صد گستر شود توشه است که چطور نسیر بکند همینطور که گفته اگر چنانچه این تسیر بدست ماوریه ماله باشد این هر روز اسباب اختلاف می شود امیرکوبه گران شد او میکوبد ارزان شد این بود که بنده پیشنهاد کردم که این تسیر ناشی مطابق قانون میزی باشد یعنی تصدیق چندتر که مین باشد. این نرخ ناشی که مین شد اختلافی درش نباشد والا تسیر کبیران چند بنده دارد پیشکار که هر سال میکوبد اسامی گران شده باید زیاد بگیرند مودی میکوبد ارزان شده تخفیف بدهد و این بقیه بنده پیشنهادی است که مطابق منظور دولت هم باید همینطور باشد که چون نمی شود نرخ کبیسون را هم بد یعنی آن اساس کبیسون را منقضاییم هم بزم اگر جنوا هم و زیاد کیم باید روی یک متروک و ماخذی باشد نه اینکه هر سال مودی باید بگوید آقا قیمت کم شده و ماوریه ماله بگوید آقا قیمت زیاد شده اگر اختلافی پیدا شد باید تسیر بر طبق همان قانون میزی باشد.

**ولیر ماله** - پیشنهادی که آقا کرده اند خلاصه مفادش این می شود که هر سال در تمام ایران در هر قطعه کبیسون دوباره دست شود و این اسباب اشکال می شود بطوری که الا این بنده عرض میکنم این جریان که همیشه بود سه سال بود که همه ساه ماوریه ماله جنس را تسیر می کردند این پیدای اسباب اشکال می شود این جریان معمولی امور که سه سال هم بود ماوریه ماله بنده چنانچه با ماوردیان جنس را تسیر میکردند و شکیانی نبود این چیزها این تفتاد زیاد که جریان معمولی و عادلانه امور و کار ماوریه ماله دولت میکند باید تحت کنترل و

ظلمات یاروند که مواردی است که کار مربوط بک چیزی باشد که محسوس نیست اینجا میکوبد فلان آدم می گوید من مرخص آن دیگری میکوبد مرخص نیست میکوبد باید تصدیق طبیب یابوری ولی در این قسمت که در فلانجا نرخ بالا رفته دیگر چندتر اشخاص مشد و اصل واهل بایدان بنشیند که این قسمت دست است این اقتضا ندارد اگر ماوریه ماله در یکجا باشد که کیم یازده تومان است بگوید که تومان است اگر همینو چیزی اتفاق افتد بمرکز شکیانی بکنند و وزارت ماله شکیانی بکنند آخرش هم که مجلس است اینجا میکوبد که آقا شما چطور این حرف را زده اید در رشت که اینجا دو روز راه است یک ماوریه ماله آمده است دو برابر قیمت کرده است پانصد همینو چیزی غیر ممکن است حتی یک قرائش هم نبولش مشکل است اینکه کبیسون برقرار می شود و نرخ همین بکنند برای این است که از حالا تا پنجاه ماله مالیات را مین کند که باید بگوید کبیسونی بنشیند و دقت کند و عده کبیسون برای رجوع به پنجال قبل بود حتی برای اسامی جاریش هم نبود برای این بود که در پنجال قبل اختلاف زیادی پیدا می شود بهاظوری که آقای افسر فرمودند که به علاف رجوع میکنند و فلان کنند همه اشخاص جمع می شوند بلایه جمع می شود دفتر دارند متصدین محل و دفتر تجارت هست والا این دفتر در هر موقع ماوریه ماله بخواهند چله و کبیسون دست کنند این خیلی اسباب زحمت می شود هر وقت هر شکیانی شد آقایان فرمایند در هر یک مودی ماوریه ماله قبول نکرد قیمت معلول بازار را بنده متشن مخصوص برشمس پانصد چرا قبول نکرد

**ولیس** - (خطاب آقای دکتر ماهری) پیشنهادتان را دنبال میکنم یا باشد ؟

**دکتر ماهری** - بنده مسؤد میدارم.

**ولیس** - قبل از این - بنده واقعا بیرون بروند یک تذکره کوچکی بدهم یکی دو نفر از وقتا بین ملاحت میکنند که لایحه این لایحه ایسانی راجع به اوزان و بنفادیر چندین روز جزو دستور بوده است و همیشه شروک ماله است راست میگویند این تذکره کاملاً بپورود

بود و حتی باندکر دهنده است آقای وزیر امور خارجه هم یک حق کوچکی بین تذکره داده که یکی دودوقه کار دارد. از رفا خواهش میکنم برای اینکه ما معلوم واقع نشویم این کارها را بکنند. آقایان که موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد. بیکار دیگر قرائت میکنیم: وزارت ماله میباید است که مالیات جنس قاطبی را که بر طبق ماده اول قانون ششم میزی ۱۲ آبان ۱۳۰۹ تبدیل بقدری شده است نیز ترتیب مقررات قانون مذکور تا آخر سال ۱۳۱۲ تبدیل بقدری نماید و نیز میباید است در مواردی که نرخ متوسط عادلانه جنس در ماده سوم بد از بر داشت محصول یک خمس یا بیشتر از زنهالی که مطابق قانون مذکور مدکور بود با این قانون ویریه کبیسون تعیین شده است. بعد شد زرقی یا تزل نماید جنس مالیاتی را بزخ متوسط عادلانه در ماه سوم بد از بر داشت محصول نسیر و قندی دریافت نمایند قیمتی از ماده اول قانون ششم قانون میزی و بنسره یک ماده مزوره که مربوط باین قانون است از تاریخ تصویب این قانون مافی خواهد بود. در هذالبت در مواردی که قیمت جنس قیمت بزرخ کبیسون نصف یا بیشتر از نصف تزل نموده باشد جرایی که تا تصویب این قانون اخذ شده بابت مالیات هذالبت محسوب خواهد شد

**ولیس** - اشکال نیست (گفته شد - خیر) موافقتی (اخذ و استخراج از راهجل آمده ۱۷۷ ورقه سفید نماند شد)

**ولیس** - عده حاضر در موقع اعلام برای ۸۵ با کثرت ۷۴ رای تصویب شد ؟

**تذکرات** آقایان هذنگان - آقایان لبرانی - امیر - دکتر سگ - دولتی - جمیری - اقبال - اوسه - مامری - اورگنی - طهرانی - بهبانی - وهاراده - متلاسلای - متصدین - محمد علی میرزا و قوامی - محمد خان مختار - محمد علی - محمد جوادتاشی - نویسی - کرمانی - کرمانی - کرمانی - دهمانی - آرتوید زار علی - لاریجانی - میرزا محمد مهدیان خانی - قیصر عباسی - دکتر ذکرت زاده - دبستانی - کرمانی - روسی - حسینعلی خان نواب - دکتر شیخ - مسودی - داکور - مؤید احمدی - سید کاظم زیدی - میرزا محمد حسین نواب - حاج میرزا حسین خان فاضلی - غیر فرجه - مواجیری - حاج میرزا حسنخان استبداری - دکتر احتشام - میرزا محمد علیخان تربت - حبیبی - دناقلیان ایسانی - شیخ زاده - دکتر شایبی - دکتر رفعم - میرزا سلطان ساکینان - امیر - حسینخان بنتزاری - امیر عباسی - پورشمیری - قاضی - مفتی - امیر تنبوری - دکتر سببی - ملاش خان - زرمزی - مطهری - دیا - آصف - ملک زاده آملی - حبیبی - سید شایبی - میرزا - مهدوی - احتشامزاده - مولوی - بنسودکاتی - بنسودی - قاضی - قاضی - مطهری - سلطان مظفر زنگه - اسکندری - ابراهیمخان پیرنا

**۸- شیر اول لایحه الحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی منع استعمال سوگرمه سفید**  
**ولیس** - خبر کبیسون امور خارجه راجع به الحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی منع استعمال سوگرمه سفید مطرح است.  
**خبر کبیسون**  
 کبیسون امور خارجه در جلسه ۲۹ آذرماه ۱۳۱۱ لایحه نمره (۱۱۸۶۳ و ۵۶۳) دولت راجع بالحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی منع استعمال سوگرمه سفید در ساحت کبیرت را با حضور آقای وزیر امور خارجه مطرح نموده وین ماده واحده پیشنهادی دولت را تصویب نموده اینک خیر آن را برای دور اول تقدیم پیشنهاد: ماده واحده - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد که الحاق ایران باقرارداد بین المللی منع استعمال سوگرمه سفید در ساحت کبیرت که در ۲۶ بهمنماه ۱۹۰۶ (۹ میزان ۱۲۸۵) در برن امضاء رسیده اعلام نموده و سده الحاق را تسلیم دفتر بین المللی متشافل نماید.  
**ولیس** - موافقت  
**ولیس** - آقایان که باورود در شور دوم این لایحه موافقتند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.  
**۹- شور دوم لایحه اوزان و مقیاس**  
**ولیس** - خبر کبیسون اقتصاد ملی راجع به لایحه اوزان و مقیاس مطرح است.  
**خبر کبیسون**  
 کبیسون اقتصاد ملی با حضور آقای رئیس محترم اداره



کل تجارت تشکیل و لایحه شماره (۱۶۱۴۸) دولت راجع به تجدید اوزان و مقیاس های مملکت را برای شورای مطرح نموده و پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را هم که در موعود شور اول تقدیم کرده بودند مورد شور و مذاکره قرار داده و در نتیجه مواد ذیل را تنظیم نموده و اینک خبر آنرا برای تصویب تقدیم ساحت مقدس مجلس شورای ملی می نمایم:

مقیاس وزن

واحد مقیاس - = من سه کیلو  
اجزاء

سنگ = یک دهم من (۳۰۰ گرم)  
پار سنگ = یک صدم من (۳۰ گرم)  
درم = یک هزارم من (۳ گرم)

دسی گرم  
سابق گرم  
میلی گرم  
فیراط = ۲ دسی گرم  
اضافه: غرور = صد من (۳۰۰ کیلو)

مقیاس طول

واحد مقیاس - متر

اجزاء

دسی متر = یک دهم متر  
سانتی متر = یک دهم دسی متر  
میلی متر = یک هزارم متر

مقیاس سطح

واحد مقیاس - متر مربع

اجزاء

دسی متر مربع  
سانتی متر مربع  
میلی متر مربع  
جریب = یک هزارم متر مربع  
مکتار = ۱۰۰ جریب

کل تجارت تشکیل و لایحه شماره (۱۶۱۴۸) دولت راجع به تجدید اوزان و مقیاس های مملکت را برای شورای مطرح نموده و پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را هم که در موعود شور اول تقدیم کرده بودند مورد شور و مذاکره قرار داده و در نتیجه مواد ذیل را تنظیم نموده و اینک خبر آنرا برای تصویب تقدیم ساحت مقدس مجلس شورای ملی می نمایم:

مقیاس حجم

واحد مقیاس - لیتر

بکدارد  
ماده دوم - طرز تهیه اوزان و مقیاس های مقرر در این قانون و انتشار آن در مملکت و همچنین تعیین اوزان و مقیاسها و جلوگیری از استعمال اوزان و مقیاسهای تقلبی و سایر شرایط اجرای این قانون بوسیله نظامنامه های مخصوصی که تصویب هیئت دولت رسیده باشد مقرر می شود.

نیز - یک دسی متر مکعب  
بصره - دولت می تواند لدی الاقتضا براساس مقیاسهای فوق وزنه های دیگری تهیه نموده و در دست رس عوام بگذارد.

ماده سوم - اندازه کل تجارت متکلف است اوزان و مقیاسهای مورد احتیاج هر محل را بقدر کمات تهیه و در دسترس اهالی آن محل قرار داده و لافان دوام قبل از اجراء تاریخ اجرای آنرا با اطلاع عامه برساند ماده چهارم - پس از اجراء این قانون در هر محل هر کس با تخریبی که دارای اوزان و مقیاسهای قلب بوده و یا هر کس با اوزان و مقیاسهای تقلبی داد و ستد کند به حبس نودم اذیک روز تا ۱۵ روز و ردصوت تکرار تا سه ماه محکوم خواهد شد ببلاده اوزان و مقیاسهای تقلبی نیز ضبط می شود

ماده پنجم - قانون مصوب دهم خرداد ۱۳۰۴ منسی ملکی است  
و مقیاس های دیگر تهیه کنند غر از این وزنه ها است با عین اینها است. و همچنین ماده دوم طرز تهیه اوزان و مقیاسهای مقرر در داین قانون الی آخر باز در بقصره همین ماده دوم نوشته می شود که دولت می تواند

بخلاف و مغایر با آن خبر است و سخن پیشنهاداتی هم که آقایان فرمودند ظاهراً آن زمینها قبول داشته نشدنی يك پیشنهادات دیگری از طرف آقایان تقدیم شد و طبع و توزیع شد و بنده قهیمم اساساً عدول از آن ترتیب اولی چه بود. و آن ترتیب عیش چه بود و سخن این بیست این اولاً و ثانیاً بنده عقیدم این است که همان طور که بعضی آقایان عقیده داشتند و پیشنهاد کردند عوض سه کیلو واحد مقیاس را چهار کیلو قرار بدهند. در بعضی ایالات و ولایات مثلاً آذربایجان هزار مثقال معمول است اگر این ترتیب باشد بطر تمام مملکت ششصد و چند مثقال می شود که همان من سابق است و بکنندگی از وزن معمولی کمتر شده است و حقیقتاً برای خریدار موجب خرابی خسران است یعنی هزار مثقال را سابقاً دو فران بهاد از این قانون همان دوران این برای خریدار در بعضی ولایات مخصوصاً در آذربایجان اسباب زحمت است اینهم یکی. یکی هم اینبا سنگ و پارسنگ نوشته است پارسنگ آنچه معمول است اصطلاحش غر از این است و من ندیدم که چرا این را نوشته اند پارسنگ. رازو کلیتاً دوگانه دارد وقتی بگریک شد یکی سنگین یک سنگ آتروغ میگذارد که آنرا ارسنگ میگویند حالا اینجا بیچ مناسب پارسنگ گنجانده بنده ندیدم یکی هم راجع این نمره که نوشته شده در ماده اول: دولت می تواند لدی الاقتضا براساس مقیاسهای فوق وزنه های دیگری تهیه نموده و در دسترس عوام بگذارد. بنده این ترتیب را اساساً در قوانین معتقد نیستم کسد قانون می نویسد دولت لدی الاقتضا این کار را بیکد ممکن است اقتضا بیکد ممکن است اقتضا نکند اینکه در قانون دولت را مجاز بکنند باین ترتیب اساساً موضوع ندارد منی نداد که وزنه های دیگری تهیه کند غیر از این وزنه ها خوب است این را توضیح بدهند که وزنه های دیگر تهیه کنند غر از این وزنه ها است با عین اینها است. و همچنین ماده دوم طرز تهیه اوزان و مقیاسهای مقرر در داین قانون الی آخر باز در بقصره همین ماده دوم نوشته می شود که دولت می تواند

لدی الاقتضا. برای اصلاح بیان و ترازو مقرانی وضع نماید. این را بنده قهیمم در قانون دولت را مجاز کردن که يك مقرانی وضع نماید و لواپنک مخالف این قانون باشد وضع کند یعنی چه؟ خوبست منبر کسبیون پارسی کل تجارت يك توضیحاتی در این باب بدهند که بنده عقیدم این است که مخصوصاً از این دو نمره ماده اول و دوم این لدی الاقتضا. خوبست برافشته شود و يك عبادت دیگری جایش گذارده شود.

ولیس - آقای روحی و آقایان دیگر مخالف  
روحی - آقای روحی و آقایان دیگر مخالف  
رهنما - مخالف

وکیل کل تجارت (آقای باستانی) - عرض میشود همان طوری که آقای طباطبائی فرمودند این داریت ناوی کسبیون با آن داریت اولی موافق نیست البته برای آن مذاکرانی بود که در فرا کسیون شد و با پیشنهادی که آقای نهیمی کردند موافقت حاصل شد و با پیوستن دادند فتاوی که این راپورت راپورت قبلی و لایحه دولت و قانون فعلی که در نظر است مللی شود دارد این است که قانون اساساً بطور کامل بیست متریک را مقرر میدارد و بعد عمل همین طور بنظر میاید که اجرای آن آسان نیست و مشکل است. در مجلس شورای ملی در ماده مطالباتی شد و موافقت شد که عبالاً يك حد متبل و متوسطی انتخاب شود برای اجرای اوزان مقیاسر باید آنچه که در هانوس شد ممکن است کاملاً بیست متریک اجرا شود. مقیاس طول کاملاً طبق بیست متریک است. مقیاس وزن از گرم و اجزاء گرم مطابق بیست متریک است برای اینکه در جها هایکه مورد احتیاج است مثل دولخان و اطباء همه ما نوشتند. راجع بنا لوقی گرم آنچه که زائد گرم است چون در ماملات و تجارت يك اشکالاتی تولید می شد و ممکن نبود باین آسانی اجرا کنیم در نظر گرفته شد که وضعیت فعلی ملحوظ شود منتهی به تقسیم اعتبار. این است که وزن من تبریز مخلوط مانده است با اینک تفاوت مختصری و تمام مملکت هم مانوسند به من تبریز. اگر ما می خواستیم منی که در آذربایجان (که گویا



زبان متقال است) بمول است بکرمی اوقت بدرخسان  
 بختش نبی شدت و من تبریز در تمام ملک بمول و  
 مآویند و جزو اوزان محلی است و اصطلاحات است  
 نامبراین این مبالغ کرده شده است با سه کیلو تا د  
 آینه بدیش سیستریک ممکن باشد. این فرمودند  
 بد بصره نوشته دولت می تواند لندی الاضافه یک اوزانی  
 تهیه کند همینطور است برای اینکه مقصود این است  
 بروردوزان به سیستریک آفتابش و درجه این اوزان  
 و کیلو ووزان خود و برور مآوس و آشنا شوند  
 تا بد طرف هت هت سال ده سال کلاسا اول  
 سیستریک اجراشود. این بهتر است این فکری که برای  
 یعنی از آفتابن پیش آمده است که من را مبالغ چهار  
 کیلو بکرمی این با من نقلی خیلی فرق دارد. ولی من تبریز  
 با کیلو چندان فرقی ندارد شاید چهار پنج متقال فرق  
 دارد (یکی از نمایندگان - بلکه پیشی تفاوتش خیلی  
 زیاد نیست. تقریباً قریب پنجاه کرام فرق میکند. ولی  
 اگر بخواهیم من را مبالغ چهار کیلو بکرمی خیلی فرق  
 میکند. مقصود ما این است که و شدت نقلی را حفظ کنیم  
 و مردم را بجزمت نماندیم. منتهی یک قالب اعتباریم  
 در کار باشد در قسمت پارسنگ که فرمودید. ابتدا نظر  
 این بود که بجای سنگ سیر و بجای دم متقال باشد در  
 کبیسون مناقشه شد که باز اشتباه می شود سر دو سیر  
 قدیم و دو سیر جدید. سیر قانونی و سیر غیرقانونی.  
 و بالاخره یک شهبانی تولیه می شود. گفته شد حالا  
 که تغییر میکند مقتضی است یک لفظ وضع شود.  
 کنند چون اجزاء من است کوچکترش پارسنگ باشد  
 حالا اگر آفتابن نظر و اعتراضی دارند ممکن است  
 اصطلاحی پیشنهاد کنند

المهر - تغییر  
 ولیس - آدی روسی  
 بموصی - عرض کذب ثابت شده است یکی از اصول  
 وطن برضی حفظ زیادات. خیلی از ملل دنیا هستند  
 که بحد یک ملکیتی زندگی میکنند ولی وقتی که میرسد  
 می بیند که این ها ملل مختلفه بودند ولی در لزوحمت  
 زبان امروزه یک ملت واحد شناخته می شود. و بواسطه  
 حفظ زبان حفظ ملت خودشان را کرده اند. قبلاً یک

دست بر می داند بوده بدین مملکت که یک الله لاهی زبانی  
 بزبان فارسی زده اند. همان هالی که بجای شاید یکی  
 عوض هم چنین کذلک و عوض زراران است که باهمی  
 استعمال میکردند. حالام یک دست فرانسه دان هسته  
 است تازه تشریف آورده اند. و رفته رفته زبان ملی را  
 زبان فارسی مداخل میکند و رفته رفته زبان ملی را  
 دارند از زبان می برند. من منتظر بودم در لواجی که  
 دولت میارود این نکته را رعایت کند. چندین دفعه عرض  
 کردم و تذکر دادم. بنده نمایم وقتی که ما دم داریم  
 قدم با کرام چه فرق دارد؟ در اروپا یک کرام دارند بین  
 قدم و وقتی که من با آنها کار داشتیم یک بیکرم و لای اوم  
 باید مال مارا یاد بگیرد. ماکر را در تمام مملکت اگر  
 بگویم می فهمند. ولی امروز شما هر کجا شتر بگویند  
 نمی فهمند. آن دهانی که در اقصی قاطر سیستان و  
 بلوچستان با کردستان هیچکدام را نمی فهمند  
 علت این که کبیسون آمده و یک الله بزبان تازه و  
 نماینده دولت هم مواظت کرده و قدم را کرام کرده  
 چیست! با کز را متر کرده چو قدم! این حرف خیلی  
 بقاعد است و بنده حقیقتاً از آقای پاسانی که ایشان  
 عقیده دارم و وطن پرستانه خواستش می باشد مواظت فرمایند  
 که لغات فارسی باشد. زمین هم با همان نباید. دیگران  
 هم که نمی فهمند به جهنم که فهمیده. هر کس در هر  
 ملکیتی زندگی میکند مجبور است تابع مقررات آن  
 مملکت باشد و اصول و عادات آن مملکت را بداند. بنده  
 کلاماً باین اصل مخالفم و باین کار عقیده ندارم. عقیده ام  
 این است که باین ترتیب دیگر لایله بزبان زنده

ولیس کل بیجرات - مذاقته ادبی بین آفتابان  
 ننمیکند. تمام ملل دنیا یک لغات اولیه داشته اند و یک  
 لغت های درجه ای ازم فرض کرده اند این لغت شر هم  
 که ایشان از او تفر دارند اتفاقاً لغت فرانسه نیست.  
 لغت ترک است. لغت است یونانی و قدم تمام دنیا منتر  
 است. کرام و لغت اکثر قبول دارند و یک روزی ما  
 یک وضعیتی داشتیم که لغات فارسی را منتر کردیم در  
 دنیا. همین لغت درهم که ما میگویم این را یک آلابی  
 دست کردند اسم اورا گذاشتند درهم. بد دین ملل  
 دنیا با هم قدم معروف شد. حالا در بین خودمان هم

طرح شده و مآوس بنیم. همین دیار الا ان در  
 امپهان اجزای من فادام میگویند مثل سیر. یک وقت  
 سیر را کبیده به یک اندازه شد. یک وقت نخود را  
 کبیده و یک اندازه شد. یک وقت هم یک اندری را  
 کبیده و یک اندازه با آن دست شد. بعد آن را  
 مختلفش کردند. دنا کردند و بعد ده کار کردند و بالاخره  
 یک تصرفی در آن نمودند و شد دنیا و در مورد پول  
 استعمال کردند. ولی حالا نیم سیر و نیم کز با هم فرق  
 دارد بنده هم مواظتم که مردم به کز آورند. ولی من  
 از دفعه قدری کمتر است برای این که مردم بداند ملاقاتن  
 میورن نشود که شد همان شرک الا ان هم. هت  
 گذاره نمود و یک چیزی نیست که اشتباه شود. بنده یک  
 وقتی عضو کبیسون بود چه بودم خوب یاد است که  
 همین لغات را محل اقتاد فرار دادم و بعد در خبری که به  
 مجلس قدیم کردم در ابتدای آن نوشتیم «یاوروت  
 کبیسون بود چه بعد بدیم هر سه این لغت فرانسه است  
 و یاوروت. کبیسون. بود چه. فارسی ما این جور شده  
 است. ما لغت فرانسه خیلی داریم عربی هم همینطور است  
 زیاد در لغت هست کباینی امروز جزو لغت است.  
 مجلس شورای ملی را من امروز بهتر می فهمم تا  
 کنگستان. شاید محل تفر هم فرود باین که فارسی  
 است. این طور چیزها بنظر بنده اشکالی ندارد.  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

ولیس - آقای رهنما  
 رهنما - در کفایت مذاکرات صحبت کنم یا دراصل  
 مطلب.  
 ولیس - و طلبانرا بفرمائید.  
 رهنما - بنده یک قسمت از عراضه را در وقتیکه  
 این لایحه مطرح بود درشرو اول عرض کردم فلان بنده  
 به مدونوع کلمات و لغات این لایحه که آقای روسی  
 فرمودند و دلایلی هم داشته عرضی دارم و به آن  
 نسبت هالی که آقای طباطبائی دنیا فرمودند که یک  
 سنگ را چهار کرام باید کرد. این ها در البته خود آفتابان  
 تذکر دادند و مجلس قضاوت خواهد کرد. بنده در  
 اصل قیبه با عرض میکنم. این خبر از غیر اول

کامل تر شده و اصول سیستریک زدنکلی شده هم  
 ملبان طولی هم ملباس مطبخش و هم ملباس  
 حجتش ولی در وقت و وزن بهایا زین کجا داشته اند  
 بنده می خواستم از آقای پاسانی واژ متخیر کبیسوناً شد تا  
 کم که در این کار یک قدمی که بر میارند طوری باشد  
 که این قدم واقعا صحیح و اساسی باشد مایک زبانی را  
 که تحصیل میکنم اگر باشد روز اول ناظف و وطن زبانی  
 او را بد یاد کردیم این همینطور میباشد و بعد نمی توانیم  
 اصلاحش بکنیم امروز ما زحمت میکنیم و یک قانون  
 سیست متریک را بجزر تا صحیحی بدست مردم میدهیم یک  
 چیزهای که بلد نیستند و ادار میکنیم یاد بگیرند آفتاب  
 تازه آن فسنی که یاد کرده اند غلط است و صحیح  
 نیست. در دین جا بنده از متخیر کبیسون استماع کردم.  
 بنده نظری ندارم البته هر طور مجلس شورای ملی رای  
 بدهد. به خود آقای پاسالی هم که علاقه مند البته نظر  
 دارند کتم آلا بکنارید قسمت ملباس وزن هم مثل آن  
 قسمت دیگر صحیح شود فرمودند و کتیم بمول و  
 و متداول است هیت دولت نخواستارند در این قسمت  
 که بمول به اذهان است خیلی تصرف کنند. اگر چه  
 سنگ فعلاً بسعد کرام نیست فعلاً بکنن مساری است  
 با ۹۹۵ گرم مطابق گرمک و دوهزار نهد و هتاد  
 کرام بمول. بنده از ایشان سؤال کردم پارسنگ  
 حالا بمول است قدم و کرام و ساتی کرام و این ها  
 بمول است فرمودند (یکی از نمایندگان - بلای)  
 پیش یک عدد اما پیش طایفه مردم آن علاف حسانی را  
 که شما کرده اید نمی فهمد. بنده خواستم استدعا کنم  
 آفتابن یک توجهی فرمایند که این قسمت را هم مثل  
 سایر قسمت ها یک ترتیبی بکنند که حتی الباقی صحیح  
 باشد (یکی از نمایندگان - بشینه اودیکم) بنده حالا  
 پیشنهادی ندارم. فقط یک فرمولی ممکن است پیدا شود  
 و آن این است که این قسمت را از آقای پاسانی که  
 زحمت کشیده اند برای این قانون استدعا کنیم که یک  
 ترتیبی کنند در کبیسون. یک اشخاصی هم مثل آقای  
 روسی یا آقای نروت یادگیری اشخاصی که ممکن است

بد این نسبت اظهار نظر بکنند و بیل هم دارند و وقت هم دارند که کم کنند تشریف پارویدند آنجا این مرحلها هم دست کنند. اگر مجلس شورا عملاً موافقت میکند باین موضوع که خوب کرده بده عراض خودم را کرده ام و البته آقایان هم رای خواهند داد. دیگر بنه بهیل خودتان است (صحیح است)

رئیس - آقای فهیمی موافقت  
فهریمی - بل  
رئیس - بفرمایند

**فهریمی** (روشن گوی- بیرون اقتصاد بل) بنده باین نکات سینه خوشامتن فرمایشات آقای رهنما بی جواب بنامند. عرض میکنم این داریوت ناری خیلی سهلتر کرده است کار را برای رسیدن باین مقصود تا آن داریوت اول. زیرا که آمال و عمل هم فرقی تفاوت ندارد. ما از زود داریم (آقایانهم دارند) که مجلس شورای ملی سیستم متریک را بطور اکمل و صحیح مجری کند ولی تنها آمال کافی نیست. اگر با زور می شد یا آن لایحه که پنج شش سال قبل تصویب شد می شد ولی ما خواستیم توری بکنیم که این مقصود عملی شود در قسمت واحد طول و حجم مخالفتی نیست عیناً سیستم متریک است. مثلاً هر سرواخذ میساز وزن است. اولاً میسای که فلا را در عملت موجود است من است. جابوری که آقایان اطلاع دارند دوپست سیصد جور من مختلف هست که یکی از آن من ها که من نیز است وزن مشترک است و آن مطابق است باشش و چهل مثقال. و البته در هر محلی یک واحد علیحده دارد اول قسمی که ما بر می داریم این است که این من های مختلف را موقوف کردیم و همان من ۶۴۰ مثقال را اساس واحد وزن قراردادیم. حالا اگر بخواهیم آنها را کم دعوت کنیم که باین طرف سیستم متریک باین واحدی که الان دارند و مانوس هم هستند بتر است و این مبادل شده است با سه کیلو. یعنی اگر تا حالا چهار تا چارک می گذاشتند حالا سه کیلو بجایش می گذارند و این همان واحد است. اشتباه نکنید که بگویند این اجزاء است. اجزاء این وزن هم

همان تریب سیستم اعشاری است که مندرجاً باید سهیم گرام و سی گرم و سه گرام و بعد گرم باشد و اجزاء باین ترش که در تپهر این ماده گذاشته شده است مخصوصاً این نظرها گرفته اند که روی اساس این اوزان دولت بتواند یک وزنه های دیگری تهیه کند تا مجبور نباشد. وزنه های که درست میکنند پارستگ و سنگ و این ها باشد وزن دیگری باشند که بدست نیار و کتا و غیره بدهند بعد از یک مدتی که بوزنه جدید آشنا شده میگویند یک کیلو، دو کیلو، سه کیلو، و باین طور واحد وزن قرارداد می شود ولی اگر ما باینم بگویم شما اصلاً از حالا یک کیلو بگویند یعنی بدانید که از فردا این طور است در خرید و فروششان اشتباه میکنند در صورتیکه مطابق این لایحه همان کیلو که شما مقصود دارید در دستشان است تا مطابق وزن فعلی هم اشتباه نمی کنند و اگر بگویند آقا یک من بین پده سه کیلو خواهد داد و این را یک وزن قرار میدهد و می شناسد. و دیگر اشتباه نمی کند که سیزده بر است یا سیزده سیر و نیم اگر ما می خواستیم اشخاص دهائی را بچول شما عادت بدهیم و آشنا کنیم جز این که الان در دست دارند این را تطبیق بکنیم با این چیزی که که در نظر داریم جاره دیگری نبود. باید مندرجاً این مقصود را عملی کنیم جز این راه دیگری نیست. اگر ما میخواهیم اصول سیستم متریک را بطور کامل اجرا کنیم در شهرها نمی توانست درست تشخیص بدهد چه رسد بدهات. اوزانی که برای چیز تهیه شد بطریق سیستم متریک و اعشاری است و یا این تریب این منظور آقای رهنما را می خواهم کاملاً متقیب کنیم. و برسم به سیستم متریک. و بعد از تمام مطالعات بالاخره بتر از این راهی پیدا ننشده که اول یک تریبی مردم را آشنا بکنیم و بعد از پنج شش ماه برسم به سیستم متریک. این نظر کسبیرون و نظر آقایان بوده است (صحیح است - مذاکرات کافی است)

رئیس - آقای ویداحمدی مذاکرات را کافی ندیداند **مؤیداحمدی** - بنده عرض میکنم آقایان قانونی نمی باشد پس کرو مردم. یک چیزی که این نقد مهمان بگذارید بکنند و در این خصوص صحبت کنیم (صحیح است)

تا یک چیزی بگذارند که فردا مثل قانونی که در ۱۳۰۶ گذشت بشود. چرا اجرا نند؟ شش سال است که آن قانون راجع باوزان و مقادیر گذشته و همینطور بلااجرا مانده است. برای این که عملی نیست. بازحالا یک قانونی میگذاریم که عملی نیست. بگذارید در این موضوع صحبت کنیم. آقایان پیشنهاد بدهند. بماند برای جلسه دیگر. اگر اجازه میفرمایید بنده قدری صحبت کنم؟

جمعی از نمایندگان - جلسه دیگر  
الرئیس - ما که همه روزها حاضریم. باشد برای جلسه دیگر.

**رئیس** - آقای رهنما پیشترها می گفتند که از دستور خارج شود و بر حسب نظامنامه این پیشنهاد بر ملا کرات قدم دارد

**رهنما** - عرض کنم اولاً خواستم در این جایک توضیحی بدهم که بعضی از رضا که فرمودند که بنده پیشنهادی بدهم که جلسه ختم شود. منظور بنده و سایر آقایان این است که این لایحه فلا را از دستور امروز خارج شود حالا باینجه را ختم کنیم یا از جلسه امروز خارج شود و در روز دیگر بکسبیرون. نتیجه این است که فلا را از جلسه امروز خارج شود چرا؟ برای این که قضیه مهمی است. ناچار سیر کرده ام. سه سال در این جا مدت بوده تا لایحه درست شده بعقیده من خیلی کم ناقص دارد این را آقای یاسالی که از رضای پارلمانی ما بوده اند ما از ایشان خواهش میکنم این را برینند و بکسبیرون. ما هم حاضر می شویم و یک توافق نظری که اسباب آسایش مردم و رعایت احترام خود کار هم باشد بعمل آید. ما هم رای میدهیم. این است که بنده پیشنهاد کردم از دستور این جلسه خارج شود. (صحیح است)

**رئیس گل چهارت** - اگر منظور عالی این است که این قسمتی که مربوط باوزان است مطابق سیستم متریک شود. این محتاج بپنجاهتیر این لایحه نیست. ولی بنده صریحاً عرض میکنم که قابل اجرا نیست. بلی سیستم متریک فلا را در ایران قابل اجرا نیست و برای نسل آینده خویست که بدانند مدرسه بیرون بپایند و با اصول سیستم متریک کاملاً مانوس شده اند ولی اجرای این نظر بنده حالا صحیح نیست و غیر عملی است. ماند عن اینکسبیل در سیستم متریک زودتر مجری شود منظور که آقای فهیمی تذکر دادند باینجا یک مرحله ای راهی کرد. تا کاملاً قابل اجرا شود بنده مخالفتی ندارم که در دستور جلسه بعد باشد ولی با از دستور خارج شدنش مخالفم برای این که ما امتحان داریم که آقایان این جا میفرمایند ولی در موشش و کسبیرون تشریف نمی آورند. و هر مذاکره هست باید همین جا در مجلس بشود (صحیح است)  
جمعی از نمایندگان - ختم جلسه.

**۱۰ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه**  
**رئیس** - قدر متذکر این است که ما جلسه را ختم کنیم چون آقایان زیادی من از قبیل آقای دکتر طاهری که فرشی و آقای آسر پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود و ممکن است تا جلسه آینده نامالی نظری هم بشود. جلسه آخر هم آخرین روزی است که ما قبل از ماه رمضان داریم باین رای باید چهارشنبه قرار بگذاریم که روز آخر ماه است (صحیح است) اگر موافقت میفرمایید جلسه ختم شود **جلسه آینده چهارشنبه هفتم شهری سباعت قبل از ظهر دستور همین لایحه (صحیح است)**  
**مجلس یکساعت و ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد**  
**رئیس مجلس شورای ملی - دادگر**

## قانون

اجازه مبادله عهدنامه مودت منقذه بین دولتین ایران و استونی

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری استونی را که در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۱۰ مطابق سوم اکتبر ۱۹۳۱ در مسکو امضاء رسیده و مشتمل بر پنج ماده و یک پرتکل است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن را بدولت میدهد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن عهدنامه است در جلسه چهارم دی ماه یک هزار و سیصد و یازده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و جمهوری استونی

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

رئیس جمهوری استونی

نظر اینکه مایل هستند روابط مودت قدیمی را بین ملکین تحکیم نمایند تصمیم بافق عهدنامه مودت نموده و برای این مقصود اختیارداران خود را بقرار ذیل معین نمودند

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

جناب مستطاب اجل آقای پاکروان سفير کبير و نماینده فوقالعاده ایران در مسکو.

رئیس جمهوری استونی

جناب آقای ژولوس سی پاما وزیر مختار و نماینده فوقالعاده استونی در مسکو

مشارالیهما بعد از مبادله اختیارنامه های خود که در کمال صحت و اعتبار بود در مواد ذیل موافقت حاصل نمودند:

ماده ۱ - بین مملکت شاهنشاهی ایران و جمهوری استونی و همچنین بین اتباع دولتین صلح خلل قایلیر و دوستی صمیمانه و دائمی برقرار خواهد بود

ماده ۲ - دولتین متعاهدین موافقت دارند که روابط سیاسی و تسولی خود را بر طبق اصول و معمول حقوق عمومی بین المللی ادامه دهند و نیز موافقت دارند که با نمایندگان سیاسی و تسولی هر يك از دولتین متعاهدین در خاك متعاهد دیگر همان رفتاری بعمل آید که بموجب اصل و معمول حقوق عمومی بین المللی مقرر است و رفتار مزبور بشرط مسامله متقابله بهیچ وجه تا مساعدتر از رفتاری نخواهد بود که نسبت بنمایندگان سیاسی و تسولی دولت کاملاً الواد معمول میگردد

ماده ۳ - دولتین متعاهدین موافقت دارند که روابط تسولی و تجاری و گمرکی و بحریاتی بین ملکین و نیز شرایط اقامت و توقف اتباع خود را بدو یکدیگر بموجب قراردادهای بر طبق اصول و معمول حقوق عمومی بین المللی و بر روی اساس تساوی مسامله متقابله کامل تنظیم نمایند

ماده ۴ - دولتین متعاهدین موافقت دارند کلیه اختلافاتی را که بین آنها در موضوع اجرا یا تفسیر مقررات کلیه عهود و قراردادهای که منعقد شده یا در آبه منعقد گردد و منجمله راجع به همین عهدنامه بظهور برسد و بطریق دوسانه از مجرای عادی سیاسی در مدت متناهی نسبه نشود بحکمیت رجوع نمایند این ترتیب در صورت لزوم برای تشخیص اینکه آیا اختلاف مربوط بتفسیر یا اجرای عهود و قراردادهای مذکوره می باشد یا نه نزاع عمل خواهد گردید. تصمیم محکمه حکمیت برای طرفین الزام آور است برای هر قضاة متنازع فیها محکمه حکمیت بنا بقتضای یکی از دولتین متعاهدین و بر ترتیب ذیل تشکیل خواهد یافت. هر يك از دولتین متعاهدین در ظرف سه

## قانون

اصلاح ماده اول قانون ششم قانون مجری

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است که مالیات جنسی قلمی را که برطبق ماده اول قانون ششم قانون مجری مصوبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ تبدیل به قدی تموده است پرتیب مقرر در قانون مذکور تا آخر سال ۱۳۱۲ تبدیل به قدی نماید و نیز مجاز است در مواردی که نرخ متوسط عادلانه جنسی در ماه سوم بهداز برداشت محصول پلک خسس یا بیشتر از نرخهای که مطابق قانون مذکور در فوق و پایین قانون بوسیله کمیسیونها تعیین شده یا خواهد شد ترقی یا تقلیل نماید جنس مالیاتی را نرخ متوسط عادلانه در ماه سوم بهداز برداشت محصول نسیم و قدی دریافت نماید. قسمتی از ماده اول قانون ششم قانون مجری و تبصره پلکفاده مزبوره که مربوط باین قانون است از تاریخ تصویب این قانون ملغی خواهد بود

تبصره - در مواردیکه تقلیل قیمت جنس در هذالته نصف یا بیشتر از نصف از نرخ کمیسیون باشد جرائمی که تا تصویب این قانون اخذ شده بابت مالیات هذالته محسوب خواهد شد.  
این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه چهارم دیماه یکم هزار و سیصد و یازده شمس بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

ماه از تاریخ تسلیم تقاضانامه حکم خود را همین خواهد نمود، حکم مزبور از اتباع مملکت تالی نیز ممکن است انتخاب گردد چنانچه دولین در طرف مدت سماء از تاریخ تسلیم تقاضانامه راجع بصدتی حکم در طرف آن حکمین می بایستی حکم خود را صادر کنند مواقت حاصل نمایند و یا هرگاه حکمین بتوانند در طرف مدتی که برای آنها مهین کرده اند اختلاف را تسویه نمایند دولین یک نفر از اتباع دول تالی را بعنوان حکم ناک انتخاب خواهند نمود چنانچه دولین در طرف مدت دو ماه از تاریخ تقاضای تعیین حکم ناک راجع بانتخاب او مواقت حاصل نمایند دولین مذکورین مشترکاً با دوسویکه در طرف مدت دو ماه بعد از آنهم تقاضای مشترکی از طرف آنها حاصل نمایند هر یک از آنها که دوزر اقدام کند از رئیس دیوان دالمی داوری بین المللی لاهه تقاضا خواهد نمود حکم ناک را از بین اتباع دول تالی انتخاب نماید با مواقت طرفین ممکن است صورتی از مالک تالی که رئیس دیوان دالمی داوری بین المللی باید حکم ناک را منحصر از آنها انتخاب نماید به مشارالیه تسلیم گردد طرفین می توانند راجع بتخص حکم ناک قبلاً برای مدت مهینی فراری بین خود بدهند

طرز عملی که حکمین باید اتخاذ نمایند اگر بوسیله قرار مخصوصی بین دولین مهین شده و تا مواقت تعیین حکم منقذ شده باشد برطبق ماده ۵۷ و مواد ۵۴ الی ۸۵ قرار داد لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع بسویه اختلافات بین المللی لقیله خواهد یافت بشرط آنکه طرفین مقرراتی مخالف این ترتیب نداشته باشند هرگاه تعیین یک نفر حکم ناک لازم گردد و بین دولین مشاهدهین راجع بطرز عملی که بهداز تعیین حکم مزبور باید تعقیب شود قرار داده نشده باشد حکم ناک با دوحکم اولی تشکیل محکمه حکمیت داده و طرز عمل خودشان را مهین نموده اختلاف را تسویه خواهند نمود

کلیتاً تصمیبات محکمه با کثرت آراء اتخاذ خواهد گردید

ماده ۵ - این عهدنامه بر طبق قوانین اساسی هر یک از طرفین مشاهدهین تصدیق رسیده و مبادله اسناد مصدقه آن در اسرع اوقات محکم بعمل خواهد آمد و از تاریخ مبادله اسناد مصدقه بموقع اجرا گذارده خواهد شد بنا علیهذا نمایندگان مختار طرفین این عهدنامه را که در نخستین بزبان فرانسه نوشته شده است امضا و پاهم خود عبور نمودند  
مسکو مورخ ۳ اکتبر ۱۹۲۱

امضاء: پاکروان امضاء: ژولیوس سیاما

در موقع امضاء عهدنامه مودت که امروز بین مملکین ایران و جمهوری استونی منقذ گردید نمایندگان مختار امضا کننده مراتب ذیل را که جزء لاینجزای عهدنامه خواهد بود اعلام نمودند  
دولین مشاهدهین حق تجدید نظر در مقررات ماده ۴ عهدنامه مودت را بعد از آفضاء ده سال از تاریخ مبادله اسناد مصدقه عهدنامه مزبور برای خود محفوظ میدارند

مسکو ۳ اکتبر ۱۹۲۱

امضاء: پاکروان امضاء: ژولیوس سیاما

اجازة مبادله عهدنامه مودت و برکنار انتخاب آن منقذ بین دولین ایران و استونی در جلسه چهارم دیماه یکم هزار و سیصد و یازده شمس داده شده است  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر